

مطالعات تاریخی جنگ؛ فصلنامه علمی - پژوهشی
دوره دوم، شماره‌ی سوم (پیاپی ۵)، پاییز ۱۳۹۷، صص ۱۰۱-۱۱۴

بررسی شیوه‌ها و تاکتیک‌های جنگی قرمطیان بحرین با توجه به عقاید منجی‌گرایانه

فرهاد صبوری فر،* ولی‌اله ساکی**

چکیده

در اواخر قرن سوم هجری ابوسعید جنابی با بهره‌گیری از عقاید اسماعیلیان قرمطی، دولت قرمطیان را در بحرین تأسیس کرد. این دولت به دلیل اختلافات مذهبی که با حکومت‌های همجوار داشت اغلب با دستگاه خلافت عباسی و اهل سنت در کشمکش بود. حاکمان قرمطی بحرین با بهره‌گیری از نیروی ایمان پیروانشان در صدد دستیابی به اهداف خود بودند. آنان معتقد بودند با ظهور قائم منتظرشان، اسلام منسوخ خواهد شد و با پایداری در نبرد تلاش می‌کردند زمینه ظهور او را فراهم سازند. بعلاوه پیروی از روش‌های جنگی منحصر به فرد و مبتنی بر سبک‌های ابداعیشان اسباب موفقیت بیشتر آن‌ها را فراهم می‌ساخت. مسأله اصلی پژوهش حاضر بررسی شیوه‌ها و تاکتیک‌های جنگی قرمطیان با توجه به عقاید منجی‌گرایانه آن‌ها می‌باشد. سؤال اصلی آن است که قرمطیان بحرین برای وصول به موفقیت در میدان نبرد از چه روش‌هایی استفاده می‌کردند؟ که در پاسخ باید گفت یافته‌های این پژوهش حکایت از آن دارد که آشنایی قرامطه با شیوه‌ها و تاکتیک‌های نظامی از یک‌سو و به کارگیری درست و مؤثر آن تاکتیک‌ها در پیروزی‌هایشان تأثیر بسزایی داشته است. از سوی دیگر، در بررسی شیوه‌های جنگی قرمطیان به این نتیجه می‌رسیم که آنان در مقابله با دشمنان خود به شیوه‌ها و تاکتیک‌های رزمی معاصر خود آشنا بودند. آن‌ها در نبردها شیوه مناسب شرایط اقلیمی و جغرافیایی محل نبرد را در نظر می‌گرفتند، بنابراین در تصرف مناطق ساحلی از فنون دریایی و در مناطق

* نویسنده مسئول: استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک. (f.saboofar@gmail.com)

** استادیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه پیام نور ایران. (drvsaki@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۴ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۰۵

کوهستانی و بیابانی، از شیوه استتار یا کمین و تعقیب و گریز که مناسب آن مناطق بود، بهره می‌بردند.

کلیدواژه‌ها: قمرطیان، مهدویت، ابوسعید جنابی، ابوطاهر جنابی، شیوه‌های جنگی، بحرین.

مقدمه

اندیشه مهدویت یکی از موضوعاتی است که از سده نخست هجری مورد توجه مسلمانان به ویژه شیعیان قرار گرفت. قمرطیان نیز به این اندیشه اعتقاد راسخ داشتند. آنان که فرقه‌ای منشعب از اسماعیلیان محسوب می‌شدند؛ در سال ۲۸۶ هـ.ق با مطرح کردن مهدویت محمد بن اسماعیل راه خود را از سایر گروه‌های دیگر اسماعیلی جدا ساختند. البته این فرقه پیش از این تاریخ نیز با مطرح کردن مهدویت احمد بن محمد بن حنفیه نشان داده بود که با رهبران اسماعیلیه اختلاف دارد. این اختلاف درونی رهبران باعث شد تا راه قمرطیان و دیگر اسماعیلیان که پس از این تاریخ به فاطمیان شهرت یافتند، از هم جدا شود. حمدان قمرط و شوهر خواهرش عبدان کاتب با جدیت تمام به ترویج اندیشه مهدویت محمد بن اسماعیل پرداختند. در این راه عبدان با وارد ساختن افرادی مانند ابوسعید جنابی (گناوه‌ای) و زکریه پسر مهرویه و پسران زکریه به نام‌های یحیی و حسین به دعوت پیش روی شتاب فزاینده بخشید و اندیشه قمرطیان به زودی در شام، خوزستان، بحرین، یمامه و فارس گسترش یافت. در این میان ابو سعید جنابی توانست اندیشه مهدویت محمد بن اسماعیل را در بحرین و الحساء و یمامه رواج دهد و عده زیادی را اطراف خود جمع آوری نماید. او سپس با بهره‌گیری از توان نظامی پیروانش دولت قمرطی را در بحرین پایه‌گذاری نمود.

عوامل مختلفی درباره رشد اندیشه‌های قمرطی در این ناحیه مؤثر بود که از جمله آن‌ها وجود زمینه‌های اجتماعی مناسب ظهور مهدی در این مناطق بود که البته پرداختن به این موضوع خارج از بحث پیش روی است. در کنار آن عوامل دیگری نیز بود که رشد قمرطیان را در پی داشت؛ از جمله آن‌ها روش‌های مؤثر قمرطیان و ابوسعید جنابی در بهره‌گیری از تاکتیک‌های نظامی شناخته شده و استفاده ابزاری از نیروی ایمان پیروانشان بود. آن‌ها با بهره‌گیری از شیوه‌های جنگی مؤثر و عقاید پیروانش به نبرد با خلافت عباسی و دیگر حکومت‌های سنی پرداختند و موفقیت‌های مهمی را بدست آوردند.

تشکیل دولت قرمطیان بحرین

ابو سعید حسن بن بهرام جنّابی، در جنّابه (گناوه)، بندری در سواحل خلیج فارس متولد شد. عبدان کاتب به وی رموز دعوت قرمطیان را که بر محور ترویج اندیشه مهدویت محمد بن اسماعیل بود آموخت. سپس دعوت اسماعیلی در میانه سال‌های ۲۷۳ هـ تا ۲۸۱ در عربستان شرقی و بحرین (بحرین قدیم) ظاهر شد و حمدان بن اشعث مشهور به قرمط با مشاهده توفیقات ابوسعید در جنوب ایران، وی را قبل از سال ۲۸۶ هـ عهده‌دار دعوت بحرین کرد (ابن سنان، ۱۴۰۲: ۱۲؛ مقریزی، ۱۹۹۶: ۱/ ۱۵۹، ۱۵۴). احتمالاً پیش از ابوسعید، داعی دیگری به نام یحیی بن مهدی در ۲۸۱ به قطیف و بحرین رفت و آمد می‌کرده که مدعی بود نماینده و رسول مهدی قائم است و مهدی بشارت داده است که ظهورش نزدیک است (ابن سنان، همانجا). به نظر می‌رسد وی را ابن حوشب یکی دیگر از رهبران اسماعیلی او را از عراق به آن دیار فرستاده بود. ابوسعید به موقع توانست خود را از شرّ این رقیب رهائی دهد و خود به تنهایی امور را تحت کنترل در آورد. او سپس با دختر حسن بن سنّبر، رئیس یکی از خاندان‌های معتبر محلی، ازدواج کرد و به سرعت عدّه زیادی از اعراب بدوی و ایرانیان ساکن بحرین به او پیوستند و قرمطی شدند (مقریزی، ۱۹۹۶: ۱/ ۱۶۰؛ زکار، ۲۰۰۷: ۵۴۲/۲؛ متین دفتری، ۱۳۹۳: ۱۳۹-۱۴۰). ابوسعید پس از کنار زدن یحیی بن مهدی و افتراق رهبران نهضت اسماعیلی فرصت یافت تا دولت مستقلی را تشکیل دهد و خود مدعی شود که نماینده مهدی منتظر است و به کمک قبیله ربیع از بنو عبدالقیس تمام بحرین را به زیر فرمان خود درآورد. او پس از مدتی توانست قطیف در بخش ساحلی عربستان شرقی را نیز تصرف نماید که با تسخیر آن‌جا و مشاهده یاران وی در بصره، عمال دستگاه خلافت، خلیفه معتضد را از اقدامات قرمطیان نگران ساختند (طبری، ۱۳۵۲: ۱۵/ ۶۰۷۴).

ابوسعید سپس قصد بصره کرد که این اقدام خلیفه را وادار ساخت تا با صرف هزینه‌ای گزاف که به گفته ابن جوزی، بیست و چهار هزار (ابن جوزی، بی‌تا: ۱۷۴-۱۷۰) و به گفته مسکویه چهارده هزار دینار می‌شد (مسکویه ۱۳۷۹: ۵/ ۵). حصار اطراف بصره بنا نماید و این اقدام موجب نظر ابوسعید از تصاحب آنجا شد. با این حال او به فتوحاتش ادامه داد و پس از تصرف قطیف به قصد هجر، پایتخت قدیمی بحرین و مقر

^۱. کشور امروزی بحرین فقط بخشی از بحرین بزرگ در گذشته است که ناحیه بحرین و عربستان شرقی را شامل می‌شد.

حکمران عباسی عزیمت نمود. بنابراین خلیفه لشکری ۲ هزار نفری به فرماندهی عباس بن عمرو عَنَوی برای سرکوب او فرستاد. اما سپاه خلیفه در جنگی تمام عیار شکست خورد و عباس بن عمرو به همراه هفت صد تن از یارانش به اسارت درآمدند. ابوسعید پس از این پیروزی هجر را در سال ۲۹۰هـ پس از یک محاصره طولانی تصرف کرد (همان، ۱۰-۱۲). این فتح آخرین دستاورد مهم نظامی ابوسعید بود زیرا چندی بعد در سال ۳۰۱هـ به دست غلامی به قتل رسید.

پس از ابوسعید، ابوالقاسم سعید (۳۰۱-۳۱۱هـ)، بزرگ‌ترین پسر از پسران هفت-گانه‌اش، جانشین او شد. در زمان فرمانروایی او رویه قرمطیان در برخورد با عباسیان تغییر کرد و آنان با عباسیان روابط دوستانه برقرار نمودند. در واقع، قرمطیان مشغول مذاکراتی مبسوط با علی بن عیسی (متوفی ۳۳۴هـ) وزیر عباسیان بودند که به آن‌ها پیشنهاد صلح داده بود. گویا علی بن عیسی در سال ۳۰۱هـ رسولانی نزد قرمطیان فرستاد و امتیازاتی از قبیل بهره‌مندی قرمطیان از بندرگاه سیراف، در ساحل خلیج فارس را اعطا نمود تا از این طریق مانع اقدامات خشونت‌آمیز آن‌ها علیه مسلمانان شود. البته این مناسبات نیکو خیلی دوام نیافت؛ زیرا وزیر در سال ۳۰۴هـ به اتهام سازش و همدستی با قرامطه برکنار گشت (عریب بن سعد قرطبی، ۱۹۶۷: ۵۷-۹۸). این موضوع صدمه جدی به مناسبات نیکوی بین دو دولت وارد ساخت و با واکنش قرمطیان نیز همراه گشت و یکی دیگر از پسران ابوسعید جنابی به نام ابوطاهر سلیمان (وفات ۳۳۲هـ.ق)، پس از مشاهده این اتفاقات تصمیم گرفت برادر خود، ابوالقاسم سعید را در سال ۳۱۱هـ ق کنار زده و خود قدرت را در دست بگیرد. او در اولین اقدام روابط صلح‌آمیز با بغداد را قطع نمود و تصمیم گرفت به بصره حمله نماید. بعد از این یک سلسله نبردهای دامنه‌دار بین قرمطیان و خلافت رخ داد که قرمطیان با به کارگیری شیوه‌های جنگی گوناگون عمدتاً پیروز میدان بودند که در ذیل به برخی از این روش‌ها پرداخته شده است.

الف) بهره‌گیری از عقاید مذهبی قرمطیان

به نظر می‌رسد ابوطاهر سلیمان برای تحقق و عملی کردن اندیشه آخر زمانی و نسخ شریعت اسلام که هدف غایی اندیشه فلسفی دعوت قرامطه بود، حملات پر دامنه‌ای را علیه مسلمانان و خصوصاً کاروان‌های حجاج و نیروهای عباسی طراحی می‌کرد. ابوطاهر اندکی پس از تهاجم به بصره به حجاجی که از مکه برمی‌گشتند حمله کرد و اموالشان را

| بررسی شیوه‌ها و تاکتیک‌های جنگی قرمطیان بحرین ... | ۱۰۵

غارت نمود. او جمع کثیری از آنان را به قتل رساند و بسیاری را نیز به اسارت برد که در میان اسرا افرادی چون ابوالهیجا عبدالله بن حمدان و احمد بن کش مردون حریر عمری و احمد بن بدر عموی مادر مقتدر و گروهی از خدمتگزاران و زنان خلیفه (متوفی ۳۷۰)، بودند (ثابت بن سنان، ۱۴۰۲: ۳۷). او در ادامه این حملات مجدداً در ذی الحجه ۳۱۷ در زمان برگزاری حج به مکه حمله کرد و نیروهای تحت امر او شهر مکه و خانه خدا را غارت نمودند و ساکنان آن و حاجیان را به قتل رساندند و در مسجد الحرام و دیگر اماکن مقدس اعمال خشن بسیاری را مرتکب شدند و سرانجام حجرالأسود را از خانه کعبه کردند و به پایتخت جدید خود که در ابتدای همین سال در الأحساء/لحساء ساخته بودند، انتقال دادند تا نشان دهند پایان دوره اسلام فرا رسیده است. گفته شده است این حرکت قرمطیان در برخورد با خانه کعبه و حجرالاسود حتی از سوی خلیفه فاطمی در شمال آفریقا نیز مورد تقبیح قرار گرفت (ابن فرحون، بی تا: ۲۹۳؛ صبری پاشا، ۱۴۲۴: ۱۰۵/۵).

حمله به حجاج و در ادامه به شهر مقدس مکه در واقع ریشه در اعتقادات قرمطیان داشت؛ زیرا آنان در این زمان به مهدویت محمد بن اسماعیل، اعتقاد اساسی داشتند و از این طریق قصد داشتند زمینه ظهور محمد بن اسماعیل را فراهم سازند. آنان عقیده داشتند تاریخ مقدس بشریت در هفت دوره و هر یک با طول زمانی مختلف به پایان خواهد رسید. هر دوره با پیامبر ناطقی که حامل وحی منزل است، آغاز می شود و هر یک از این ناطقان یک وصی روحانی دارد و در پی هر وصی، هفت امام می آیند که «اتماء» نامیده می شوند. در هر دوره ظهور امامان، هفتمین امام به مرتبه ناطق اعتلا می یابد و پیامبر و ناطق دور بعدی می شود که از طریق وی نسخ شریعت پیشین رقم می خورد و دور جدید آغاز می گردد (یمانی، ۱۹۱۰: ۱۲۶؛ حامدی، ۱۹۷۱: ۲۵۴). بر این اساس، امام هفتم و پایان دهنده دور ششم (دور پیامبر اسلام(ص))، محمد بن اسماعیل بود که دور امامت با او پایان می یافت (ابن جوزی، بی تا: ۱۰۶-۱۰۵). او که استتار اختیار کرده است، چون ظهور کند ناطق هفتم و مهدی موعود می شود و تنها در مرتبه او ناطق و اساس یکی خواهد بود. وی دین جدیدی می آورد که شریعت قبلی را نسخ می کند؛ تکالیف ظاهری بشریت را با منادی تاویل برمی دارد؛ به باطن توجه می نماید (طبری، همان: ۱۵ / ۶۶۴۲ - ۴۸؛ ابراهیم حسن، بی تا: ۴۱ - ۳۹) و دور پایانی جهان را آغاز می نهد. به این ترتیب، در دور واپسین و پیش از پایان دنیا، حقایق، آزاد از هر رمز و رازی به تمامی جهان معلوم می شود

و دور معرفت شروع می‌گردد. در این عصر مسیحایی و مهدوی، دیگر نیازی به شرایع نیست و وجود خانه کعبه موضوعیتی ندارد. محمد بن اسماعیل به عدالت بر جهان فرمان خواهد راند و سپس عالم جسمانی را به پایان می‌رساند و به داوری روز رستاخیز آدمیان می‌نشیند. در این حال، وی قائم‌القیامه و امام روز رستاخیز خواهد بود و دور او پایان تاریخ بشر است (متین دفتری، ۱۳۹۳: ۵۱-۴۸). با توجه به این گونه عقائد موعودگرایانه درباره محمد بن اسماعیل، قرمطیان توجیه مذهبی لازم را برای اعمال خشونت علیه دیگر مسلمانان داشتند؛ زیرا مهدویت محمد بن اسماعیل به منزله نسخ شریعت اسلام تلقی می‌شد و این امر به باور قرمطیان سبب می‌شد تا هر نوع مناسک دینی از جمله زیارت حج منسوخ گردد.

گویا اساس رفتارهای ابوسعید جنابی و جانشینانش در امور مذهبی بر پایه همین اعتقاد، یعنی نسخ شریعت اسلام بعد از ظهور محمد بن اسماعیل قرار داشت. آن‌ها با جدیت تمام این اعتقاد را پذیرفته و از آن حمایت می‌کردند و چون از لحاظ مالی و نظامی نیرومند گشته و فرماندهان زبده جنگی را در اختیار گرفتند؛ نفوذ خود را گسترش داده و این عقیده را رواج دادند. در نتیجه جمع‌گیری به آنان گرویدند و در نبردها از قدرت ایمان همین پیروان برای پیروزی استفاده می‌شد (ابن سنان، ۱۴۰۲: ۱۹۰-۱۹۱؛ مقریزی، ۱۹۹۶: ۱/ ۱۵۸-۱۵۶).

این عقیده با تألیف و انتشار کتاب داعی نسفی به نام *المحصول* تقویت شد. این اثر گرچه امروزه در دست نیست، اما از قرائن موجود در آثار دیگر به دست می‌آید که نیمه اول این کتاب به تشریح نظام ما بعدالطبیعی نو افلاطونی و بخش دوم به موضوع هفت دور نبوت در تاریخ بشریت اختصاص داشته است که در پایان به نسخ شریعت منتهی می‌گشت (یمانی، ۱۹۱۰: ۱۲۹؛ حامدی، ۱۹۷۱: ۲۵۴).

ب) بهرمندی از شیوه‌های نبرد بیابانی

نبرد بیابانی یکی از روش‌های جنگی اعراب در گذشته بود. این تاکتیک جنگی از یک سوی برآمده از جغرافیای سخت عربستان و از سوی دیگر توانمندی جسمی اعراب بود. قرمطیان نیز از این روش جنگی برای برتری در صحنه نبرد بهره می‌بردند و همین موضوع سبب موفقیت‌های مهمی برای آنان شده بود. ابوسعید جنابی در جنگ با عباس بن عمرو غنوی فرمانده خلیفه از تاکتیک نبرد بیابانی و آرایش نظامی کرادیس استفاده کرد. ظاهراً

| بررسی شیوه‌ها و تاکتیک‌های جنگی قرمطیان بحرین... | ۱۰۷

در این جنگ سپاه مقابل نیز به شیوه کرادیس صف آرائی کرد (طبری، ۱۹۶۷: ۷۸-۷۰؛ مسکویه، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۲). کرادیس شیوه‌ای قدیمی و برگرفته از نظام جنگی ملت‌های متمدن بود که سپاهیان را به کردوس‌های مختلف تقسیم می‌کردند و ظاهراً هر کردوس عربی متشکل از هزار تن بود (هرثمی، ۱۹۹۵: ۳۳؛ زیدان، ۱۹۱۴: ۱ / ۱۶۱-۱۶۲، ۱۸۴). قرمطیان در این نبرد توانستند عباس بن عمرو غنوی فرمانده خلیفه را اسیر سازند؛ اما ابوسعید وی را به شرط رساندن پیامش به خلیفه معتضد آزاد ساخت و پیغامی برای خلیفه فرستاد که در بخشی از پیام خود روش‌های جنگی قرمطیان را به خلیفه گوشزد نمود و وی را اینگونه سرزنش کرد که: «برای چه با فرستادن سپاهیان به جنگ من، هیبت خود را می‌شکنی، مردان خویش از دست می‌دهی، چشم از دشمنان به سوی خود می‌کشانی، من مردی بیابانی هستم که نه کشتزاری و نه آبادی دارم، با سختی زندگانی خو کرده‌ام و برای سربلندی و زنده ماندن شمشیر می‌زنم» (مسکویه، ۱۳۷۹: ۱۲-۱۶).

ابوسعید در توصیف تاکتیک جنگی خود مقابل سپاه خلیفه به او گفت: «سپاهیان تو جز مسافتی کوتاه نمی‌توانند من را تعقیب نمایند و همین که من بیست یا سی فرسنگ در بیابان دور شوم، یکی دو ماه پنهان می‌گردم و دوباره باز گشته و بر ایشان شبیخون می‌زنم و همگی را می‌کشم. حتی اگر سپاهیان هوشیار باشند و ما نتوانیم غافلگیرشان کنیم؛ باز هم ایشان نمی‌توانند به دنبال من بیابان‌نوردی کنند و جستجو در بادیه‌ها کاری بیهوده است. همچنین هیچ یک از شهرهای من جا و آذوقه، برای پذیرائی سپاه تو را ندارد. پس ناچار بیشتر آنان بیرون می‌روند و تعداد اندکی نیز که باقی می‌مانند خوراک شمشیرهای ما می‌شوند» (همان‌جا).

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که یکی از شیوه‌های جنگی قرمطیان بحرین جنگ و گریز در بیابان‌ها بود. آن‌ها از این طریق نیروهای خلیفه را خسته می‌ساختند و با شبیخون زدن و کمین کردن در بیابان‌ها و نیز امحای کشتزارها و مواد غذایی در مناطق تحت سلطه خود، اسباب نابودی سپاه دشمن را فراهم می‌ساختند. همچنین آن‌ها با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی مناطق تحت سلطه خود ضربه‌های مهلکی را به سپاه رقیب وارد می‌ساختند. بدین معنی که این مناطق دارای آب و هوای نامناسب بود و قرمطیان به عمد سپاهیان دشمن را به این مناطق می‌کشاندند تا بدین وسیله آنان خودشان بدون کمترین درگیری هلاک شوند.

بهره‌گیری از جنگ روانی نیز از روش‌های جنگی قرمطیان در نبردهای بیابانی بود؛ بدین معنی که همواره قرمطیان بر ناز پروردگی سپاهیان خلیفه و آزمودگی پیروان خود تأکید می‌کردند. همین عامل موجب می‌شد تا روحیه سپاهیان دشمن در هنگام ورود به بیابان‌ها تضعیف گردد و در مقابل روحیه سپاه قرمطی به جهت آشنائی به جنگ در این مناطق تقویت شود. از سوی دیگر، قرمطیان همواره شکست‌های پیشین سپاهیان خلیفه و بی‌انگیزگی آنان را به رخ دشمنان خویش می‌کشیدند.

همچنین قرمطیان از این مسأله کاملاً آگاهی داشتند که لشکرکشی دستگاه خلافت به مناطق بیابانی به لحاظ اقتصادی نیز برای آن مقرون به صرفه نیست، چرا که مناطق تحت سلطه قرمطیان عمدتاً فاقد شهرهای بزرگ و یا کشاورزی و تجارت پر رونق بود و لشکرکشی به آن مناطق برای خلیفه جز تحمیل هزینه‌های جنگ دستاورد دیگری نداشت، لذا بر مقاومت خود پای می‌فشردند. بعلاوه قرمطیان از قدرت‌طلبی و استقلال‌خواهی برخی حاکمان درون دستگاه خلافت نیز آگاهی داشتند و در جنگ‌های خود در صدد بودند حیثیت و ابهت خلیفه را بشکنند تا بدین وسیله به اختلافات داخلی این حکام با دستگاه خلافت دامن بزنند یا خلیفه را از این امر بیمناک کنند تا دست از اقدام علیه قرمطیان بردارد.

ج) برخورداری از شیوه نبرد محاصره‌ای

روش نبرد محاصره‌ای نیز از شیوه‌های رایج جنگی در گذشته بود که بر اساس آن دشمن را در قلعه‌ها یا شهرها محل سکونتشان مورد محاصره قرار می‌دادند. قرمطیان نیز در جنگ‌های خود گاه مجبور می‌شدند از شیوه تدافعی و جنگ و گریز بیابانی دست کشیده و به تهاجم یا محاصره شهری یا ناحیه‌ای روی آورند. از جمله جنگ‌های محاصره‌ای آن‌ها محاصره هجر توسط ابوسعید پس از پیروزی بر عباس بن عمرو غنوی بود. او پس از پیروزی در این نبرد به سوی هجر راند و آن‌جا را مورد محاصره قرار داد. در ابتدا سپاه قرمطی با وجود استفاده از منجنیق و قلعه‌کوب قادر به تصرف شهر نشد؛ زیرا ساکنان و پادگان نظامی آن شهر مقاومت جانانه‌ای کردند و ابوسعید را در تصرف شهر با مشکل مواجه نمودند. اما در ادامه با بهره‌گیری از تاکتیک‌های مناسب قلعه‌گیری و محاصره شهرها، مانند قطع آب‌های مصرفی ساکنان شهر و نابودی منابع غذای آن‌ها سرانجام مقاومت اهالی هجر بعد از حدود ۲۰ ماه محاصره شکست و شهر به تصرف در آمد.

| بررسی شیوه‌ها و تاکتیک‌های جنگی قرمطیان بحرین ... | ۱۰۹

طولانی شدن محاصره نیز از عوامل اصلی سقوط بود. محاصره‌شدگان که مرگ خود را در هر دو حال (مقاومت بیشتر و یا تسلیم برابر قرمطیان) حتمی دانستند عده‌ای از جانب دریا فرار کرده و به جزیره اول، بندر سیراف و مناطق دیگر رفتند، تعداد زیادی از اهالی نیز مذهب قرمطی را پذیرفته و زنده ماندند و تعدادی هم که رضایت ندادند قرمطی شوند قتل عام گشتند (نویری، ۱۴۲۳: ۲۵ / ۲۳۵-۲۳۸).

نمونه دیگر از این نوع جنگ‌ها تهاجم قرمطیان به بصره بود. آن‌ها در سال ۳۱۱ هـ در زمان حکومت ابوطاهر سلیمان بن حسن جنابی با هزار و هفتصد سپاهی پیاده نظام از یاران خود به بصره یورش بردند و شبانه نردبان‌هایی بر دیواره شهر نهادند و به درون شهر رفتند. نگهبانان دروازه‌های شهر توسط آن‌ها به قتل رسیدند و دروازه‌ها را گشودند. در میان دو لنگه در دروازه‌ها شن و ریگ که با شتران آورده بودند، ریختند تا درها بسته نشود. سبک مفلحی والی بصره تا هنگام اذان صبح از این حمله آگاهی نیافته بود. تازه هنگامی هم که شنید شهر مورد حمله قرار گرفته است، گمان کرد، اعراب بیابان‌گرد هستند که هجوم آورده‌اند و با گردن‌فرازی به جلو ایشان رفت؛ اما پس از یک جنگ سخت به قتل رسید. قرمطیان شمشیر در میان مردم بصره نهادند و تعداد زیادی را به قتل رساندند. آن‌ها همچنین بخشی از مسجد آدینه و مسجدی که در آن قبر طلحه از سرکردگان جنگ جمل بود را به آتش کشیدند؛ ولی به خود قبر دست درازی نکردند. مردم به کشتزارها گریختند و چند روزی جنگیدند، اما سرانجام تعداد زیادی از ترس شمشیر قرمطیان خود را به آب زده و بسیاری خفه شدند و ابوطاهر هفده روز در بصره ماند. او هر چه توانست از اموال مردم را غارت کرد. زنان و کودکان را به اسیری گرفت و بر شتران بار کرد به شهر خویش برد (مسکویه، ۱۳۷۹: ۵ / ۱۶۴-۱۶۵).

جمع‌آوری اطلاعات از موقعیت و وضعیت دشمن نیز از تاکتیک‌های قرمطیان در جنگ‌های محاصره‌ای بود. آن‌ها با استفاده از کبوتران نامه‌بر اطلاعات ارزشمندی را از دشمنان خود به دست می‌آوردند؛ چنانکه در هنگام حمله به بصره از همین کبوتران در زمان اندکی از عزل حامد بن عباس و علی بن عیسی از وزارت خلافت عباسی و زندانی شدن آنان و به وزارت رسیدن ابن فرات مطلع شدند و تنها چهار روز بعد از این عزل و نصب‌ها به بصره تاختند تا از این طریق ابتکار عمل را از دست خلافت بیرون آورده و تا زمانی که وزیر جدید بتواند بر امور مسلط گردد شهر را تسخیر نمودند؛ زیرا می‌دانستند با تغییرات صورت گرفته در سیاست خلافت عباسی فضا علیه قرمطیان خواهد شد؛ از

این رو پیشدستی کرده و به تصمیم پیشین خود برای فتح بصره که با مذاکرت صلح با خلافت متوقف شده بود مبادرت کردند. حتی قرمطیان در هنگام ورود به شهر، بصریان را خطاب قرار دادند و عزل حامد بن عباس از وزارت را طعنه زده بودند که وای بر شما، سلطان (خلیفه) حقیر شما چه دیوانه است که این مرد را از خود دور می‌کند؛ بعدها ثمره این کار را خواهید دید؛ در حالی که بصریان هنوز از این عزل و نصب آگاهی نداشتند. بعلاوه ظاهراً قرمطیان بحرین برای تصرف قلاع و حصارها آموزش‌های لازم را دیده بودند؛ زیرا در این نبردهای آن‌ها شاهد استفاده از تجهیزاتی از قبیل منجنیق، قلعه‌کوب و نردبان برای بالا رفتن از حصارها هستیم. همانطور که برخی تدارکات نبرد مانند شن و ماسه را با خود به محل محاصره حمل می‌نمودند نشان از آمودگی آن‌ها داشت. قرمطیان در جنگ‌های محاصره‌ای گاه از تاکتیک نبردهای آبی یا نیروی دریائی نیز بهره می‌گرفتند و از کشتی و قایق استفاده می‌کردند؛ برای نمونه، ابوطاهر سلیمان در سال ۳۱۵ هـ پس از غلبه بر ابن ابی الساج سردار خلیفه با استفاده از فنون کشتی رانی به محاصره شهر انبار که در مجاورت بغداد قرار داشت پرداخت و آنجا را به تسخیر خود درآوردند. این پیروزی موجب شد تا موقعیت بغداد بیش از پیش به مخاطره افتاد. البته ورود خواجه مونس الخادم (متوفی ۳۲۱)، امیرالامرای قدرتمند عباسیان به عرصه نبرد با قرمطیان توازن قوا را به سود خلافت تغییر داد و او توانست از پیشروی آنان به سمت بغداد جلوگیری نماید و بنابراین قرمطیان مجبور به عقب نشینی شدند (ابن سنان، ۱۴۰۲: ۶۶-۵۱؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۲۲۰).

نتیجه‌گیری

دولت قرمطیان بحرین با رهبری قدرتمند ابوسعید گناوه‌ای و جانشینش ابوطاهر با بهره‌گیری از نیروی نظامی و تاکتیک‌های جنگی مختلف و استفاده از ترویج مهدویت از یک سو و برقراری نظام اجتماعی - اشتراکی از سوی دیگر، توانست بر منطقه بحرین و شرق شبه جزیره عربستان مسلط شود و با تشکیل دولتی قدرتمند، به مدت یک قرن خلافت عباسی را مورد تهدید قرار دهد. این دولت در دوره جانشینان ابوسعید به ویژه در دوره ابوطاهر بسیار نیرومند گردید و مشکلات فراوانی را برای جهان اسلام فراهم ساخت. آن‌ها جنگ‌های متعددی را با خلافت عباسی و کارگزاران این دولت داشتند که از جمله موارد آن، جنگ با عباس بن عمرو غنوی سردار خلیفه و همچنین جنگ با حاکم

بصره و نبردهای متناوب با کاروان‌های حج و امیران دیگر خلافت بود. قرمطیان در نبردهای خود از تاکتیک‌های گوناگون نظامی بهره می‌بردند که به طور خلاصه می‌توان آن‌ها را به چند دسته نبردهای ایدئولوژیک، نبردهای بیابانی (جنگ و گریز) و بهرمندی از فنون جنگ‌های محاصره‌ای تقسیم نمود.

در عرصه جنگ ایدئولوژیک قرمطیان با استفاده از عقیده منجی آخر الزمانی یا امام قائم (محمد بن اسماعیل) توانسته بودند اقبال گسترده‌ای بین مردم بومی کسب نمایند. آن‌ها بر اساس این اندیشه معتقد بودند از یک سو زمان ظهور منجی بسیار نزدیک است و از سوی دیگر، با ظهور او دور هفتم عالم طبیعی خاتمه خواهد یافت و همه شرایع پیشین منسوخ خواهد شد؛ از این رو مجوز انجام هرگونه عمل منافی در عرصه نبرد و جز آن فراهم است. حکام قرمطی بحرین برای تحقق و عملی کردن اندیشه آخر زمانی و نسخ شریعت اسلام که هدف غایی اندیشه فلسفی دعوت قرامطه بود، حملات پر دامنه و تسلسلی خود به کاروان‌های حجاج و نیروهای عباسیان را طراحی می‌کردند. از این رو ظاهراً حمله به حجاج و در ادامه به شهر مقدس مکه در واقع ریشه در اعتقادات قرمطیان داشت که با بررسی آن، هم توجیه مذهبی حملات آنان به حجاج و هم رمز پیروزی آنان در بسیاری از جنگ‌ها روشن می‌شود؛ زیرا با توجه به این گونه عقاید موعود گرایانه درباره محمد بن اسماعیل، قرمطیان توجیه مذهبی لازم را برای اعمال خشونت علیه دیگر مسلمانان کسب می‌کردند؛ زیرا مهدویت محمد بن اسماعیل به منزله نسخ شریعت اسلام تلقی می‌شد و این امر به باور راسخ قرمطیان بحرین تبدیل شده بود.

در میدان نبردهای بیابانی نیز قرمطیان تاکتیک‌هایی را به کار می‌گرفتند که بخشی از این روش‌ها مرسوم این نوع نبردها بود و بخشی نیز منحصر به قرمطیان بود. مهم‌ترین جنگ بیابانی آن‌ها نبرد با عباس بن عمرو غنوی فرستاده خلیفه عباسی بود که پیروزی مهمی نصیب قرمطیان گشت. آن‌ها عامل پیروزی خود را بهره‌گیری از روش جنگ‌های بیابانی می‌دانستند و حتی طی نامه به خلیفه آن را گوشزد کرده و بدان تفاخر نمودند. آن‌ها در شیوه‌های نبرد بیابانی خود از موقعیت جغرافیایی مناطق تحت سلطه خود نیز استفاده لازم را می‌بردند. بدین معنی که این مناطق تحت سلطه آن‌ها از آب و هوای نامناسب برخوردار بود که عمدتاً خود عاملی مهلک برای سپاهیان دشمن محسوب می‌شد؛ به عبارت دیگر، قرمطیان به عمد سپاهیان خلیفه را به مناطق بد آب و هوا می‌کشاندند تا بدین وسیله آنان با کم‌ترین درگیری خود هلاک شوند.

در عرصه محاصره‌های نیز قرمطیان تا حد قابل اعتنائی با شیوه‌های این نوع جنگ آشنائی داشتند. آن‌ها از شبیخون زدن، محاصره طولانی شهرها، نابودی منابع آب و غذای محاصره شدگان، استفاده از جاسوسان و ابزارهای اطلاع‌رسانی موثر و سریع و همچنین به کارگیری فنون جنگ دریائی در این روش استفاده می‌کردند. از جمله مهم‌ترین محاصره‌های صورت گرفته توسط آن‌ها تسخیر شهرهای هجر، بصره و انبار بود که هر یک با استفاده از چندین تاکتیک مؤثر از این نوع نبردها به تسخیر آن‌ها در آمد.

آن‌ها در همه نبردهای خود از شیوه‌های جنگ روانی نیز بهره مناسب را در جهت پیروزی خود می‌بردند. از جمله آنکه همواره بر ناز پروردگی سپاهیان خلیفه و آزمودگی پیروان خود تأکید می‌کردند. همین عامل موجب می‌شد تا روحیه سپاهیان دشمن تضعیف شود و روحیه قرمطیان تقویت گردد. از سوی دیگر، قرمطیان همواره شکست‌های پیشین سپاهیان خلیفه و بی‌انگیزگی آنان را به رخ دشمنان خویش می‌کشیدند.

قرمطیان همچنین از این مسأله آگاهی داشتند که لشکرکشی دستگاه خلافت به لحاظ اقتصادی برای آن مقرون به صرفه نیست؛ چرا که مناطق تحت سلطه قرمطیان عمدتاً فاقد شهرهای بزرگ و یا کشاورزی و تجارت پر رونق بود و لشکرکشی به آن مناطق برای خلیفه جز تحمیل هزینه‌های جنگ دستاورد دیگری نداشت، لذا بر مقاومت خود پای می‌فشردند. همچنین، از آن‌جا که قرمطیان از قدرت‌طلبی و استقلال‌خواهی برخی حاکمان درون دستگاه خلافت آگاهی داشتند در جنگ‌های خود در صدد بودند حیثیت و ابهت خلیفه را بشکنند تا بدین وسیله به اختلافات داخلی این حکام با دستگاه خلافت دامن بزنند یا خلیفه را از این امر بیمناک کنند تا دست از اقدام علیه قرمطیان بردارد.

فهرست منابع و مآخذ

- ابن جوزی (بی‌تا). *تبلیس ابلیس*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن حزم، علی بن احمد (بی‌تا). *الفصل فی الملل و الاواء و النحل*، بیروت: دار المعرفه.
- ابن فرحون، عبدالله بن محمد (بی‌تا). *تاریخ المدینه المنور المسمی نصیحه المشاور و تعزیه المجاور*، تحقیق علی عمر، قاهره: نشر المکتبه الثقافه الدینیه.
- ابن خلدون (۱۴۰۸ق)، *تاریخ ابن خلدون*، بیروت: چاپ خیلی شحاده و سهیل زکار.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله (۱۳۶۱). *المقالات و الفرق*، تصحیح دکتر محمد جواد مشکور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

| بررسی شیوه‌ها و تاکتیک‌های جنگی قرمطیان بحرین... | ۱۱۳

- اشعری، ابوالحسن علی (بی‌تا). *مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین*، ترجمه محسن مؤیدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بزون، حسن (۱۹۹۷). *القرامطه بین الدین و الثوره*، بیروت: مؤسسه الانتشار العربی.
- بن سنان، ثابت (۱۹۸۲/۱۴۰۲). *اخبار القرامطه*، تصحیح سهیل زکار، دار حسان.
- حامدی حسین (۱۹۷۱). *کنز الولد*، تصحیح مصطفی غالب، **لیسبادن**، دارالنشر فرانشتاین.
- حسن ابراهیم حسن و شرف طه (بی‌تا). *عبدالله المهدي*، قاهره: مکتبه النهضه المصریه.
- دخویه (۱۳۷۱). *قرمطیان بحرین و فاطمیان*، ترجمه محمد باقر امیرخانی، تهران: سروش.
- دفتری، فرهاد (۱۳۹۳ش). *تاریخ و سنت‌های اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات فرزاد.
- ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد (بی‌تا). *تاریخ اسلام*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی.
- زکار، سهیل (۲۰۰۷). *الجامع فی اخبار القرامطه فی الحساء - الشام - العراق - الیمن*، دمشق: نشر التکوین.
- زیدان، جرجی (۱۹۱۴م). *تاریخ التملن الاسلامی*، مصر.
- شهاب‌الدین احمد بن عبدالوهاب نویری (۱۴۲۳ق). *نهایه الأرب فی فنون الأدب*، قاهره: دارالکتب و الوثائق القومیه.
- صبری پاشا، ایوب (۱۴۲۴). *موسوعه المرأة الحرمین الشریفین و جزیره العرب*، تعریب محمد حرب، قاهره: دارالآفاق.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۲)، *تاریخ الرسل و الملوک* (تاریخ طبری)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: نشر اساطیر.
- عریب بن سعد (۱۸۹۷). *صله تاریخ طبری*، لیدن بریل.
- قائدان، اصغر (۱۳۸۲). *سازماندهی نظامی و سازمان رزم و تحولات آن در تاریخ اسلام (از آغاز تا پایان عصر عباسی)*، تهران: دانشگاه امام حسین.
- مسعودی علی بن حسین (۱۴۰۹). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، چاپ دوّم، قم: دار الهجره.
- مسکویه، ابو علی احمد (۱۳۷۹ش). *تجارب الامم و تعاقب الهمم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.
- مقریزی، احمد بن علی (۱۹۹۶). *اتعاظ الحنفاء باخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء*، تصحیح جمال‌الدین الشیخار، قاهره.

۱۱۴ | مطالعات تاریخی جنگ، شماره ۵ |

- نوبختی، ابی محمد الحسن بن موسی (۱۳۵۵ق). *فرق الشیعه، تصحیح سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: المطبعه الحیدریه.*
- ویلفرد مادلونگ (۱۳۷۷). *فرقه های اسلامی، ترجمه ابوالقاسم سری، انتشارات اساطیر.*
- هرثمی شعرانی، ابوسعید (۱۹۹۵م). *مختصر فی سیاسه الحروب، دمشق: چاپ عارف احمد عبدالغنی.*
- یمانئ طاهر بن ابراهیم (۱۹۱۰م). *الانوار اللطیفه فی حقیقه، تصحیح محمد حسن الاعظمی، قاهره: الهیئه المصریة للعامة.*